

بررسی رابطه میان آموزش عالی زنان در ایران و حضور آنان در عرصه‌های قانون‌گذاری*

نویسندگان: دکتر زهرا پیشگاهی فرد

(عضو هیأت علمی دانشگاه تهران) و

مریم اسدی‌راد (کارشناس ارشد وزارت علوم،

تحقیقات و فناوری)**

چکیده

در دهه اخیر در ایران، زنان از مردان در آموزش عالی سبقت گرفتند. آنان یک قرن و نیم عقب‌ماندگی از مردان را در این بخش جبران کردند و سهم خود را نسبت به مردان افزایش دادند. بالا رفتن نسبت حضور زنان به مردان در آموزش عالی کشور ریشه در فرآیندهای درونی و بیرونی تأثیرگذار در دهه اول تأسیس جمهوریت در ایران دارد. همچنین زیاد بودن این سهم برای زنان پیامدهای مثبت در بخشهای مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی برای آنان در آینده خواهد داشت.

در این مقاله، نویسنده با تجزیه و تحلیل آماری و روند افزایش سهم زنان در آموزش عالی در دهه اخیر و مقایسه آن با دهه‌های قبل در ایران می‌پردازد. همچنین با بررسی علل و عوامل این جهش، پیامدهای ناشی از افزایش حضور زنان در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور را تبیین می‌کند و نتیجه می‌گیرد که، متناسب با افزایش زنان در آموزش عالی، نقش آفرینی آنان در بخشهای مدیریتی جامعه اعم از مدیریت

* - این مقاله در شورای هیأت تحریریه این فصلنامه، «علمی - ترویجی» ارزیابی شده است. - دفتر

که، متناسب با افزایش زنان در آموزش عالی، نقش آفرینی آنان در بخشهای مدیریتی جامعه اعم از مدیریت اجرایی یا قانونگذاری در سطوح ملی و محلی افزایش نیافته است ولی شواهد نشان می‌دهند که تقاضا برای سهم خواهی در آینده به جابه‌جایی میان زنان و مردان در ساختار قدرت منتهی خواهد شد.

کلید واژگان: زنان، آموزش عالی، زنان هیأت علمی، دانش‌آموختگان زن پستهای مدیریتی، ارکان قدرت، مراکز قانون‌گذاری ملی، مراکز قانون‌گذاری محلی، سهم نامناسب زنان.

مقدمه

یکسان بودن توسعه آموزش عالی برای زنان و مردان، بدون هرگونه تبعیض و فارغ از نگرش جنسیتی به زنان در مقابل مردان، شرایط حضور روزافزون آنان را در این بخش فراهم کرد و تا آنجا پیش رفت که در سال ۱۳۷۹ تعداد پذیرفته‌شدگان زن در دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی از مردان بیشتر شد و سهم مناسبی از ظرفیت آموزش عالی را به خود اختصاص داد.

افزایش زنان در بخشهای مختلف آموزش عالی، حجم و کیفیت فعالیت آموزشی آنان را در مقایسه با مردان، تمایل بخشهای مختلف اشتغال به استفاده از توانمندیهای زنان و وضع شدن برخی قوانین به نفع آنان زمینه برای دستیابی زنان به مواضع قدرت را فراهم ساخت. این مسئله که زنان در چنین شرایطی چه سهمی از قدرت را به خود اختصاص داده‌اند و آیا این سهم با توانمندیهای آنان متناسب است و یا اینکه نقش آنان در ارکان قدرت در آینده ایران چگونه است ضرورت انجام تحقیقی را در این زمینه باعث گردید.

طی بیست و پنج سال حاکمیت جمهوری اسلامی، مشارکت زنان در قانون‌گذاری، تحت تأثیر دیدگاه‌ها و برداشتهای متفاوت از اسلام، دستخوش تحولات بسیاری شده است به طوری که همواره توده زنان در تصمیم‌گیریهای

اساسی که منجر به تدوین قوانینی شده‌اند حضور جدی و مؤثر داشته‌اند و حضور گسترده آنان در بیش از ۲۰ انتخابات در طول این دوره مبین این نکته است (دفتر مطالعات فرهنگی و اجتماعی مطالعات زنان، ۱۳۷۷).

آنچه اکنون در اذهان عمومی رخنه نموده تصویری مثبت از حضور روبه افزایش زنان در پستهای مدیریتی و ارکان قدرت است و به نظر می‌رسد که متناسب با افزایش زنان در آموزش عالی کشور حضور آنان نیز در اختصاص این پستها فزونی می‌یابد و سهم آنان در قدرت روبه توسعه است. در این تحقیق درستی یا نادرستی این فرضیه به آزمون گذاشته شده است و به این سؤالات که آیا میان روند افزایش زنان در بخش آموزش عالی با حضور آنان در بخشهای مدیریتی کشور رابطه مستقیم وجود دارد، و اصولاً زنان چه سهمی از پایگاههای قدرت در سطوح ملی و محلی را توانستند متناسب با توانمندیهای علمی و تخصصی‌شان به خود اختصاص دهند، پاسخ می‌دهد.

مقاله موجود مستخرج از طرح تحقیقاتی است که با اعتبارات معاونت پژوهشی در این زمینه صورت گرفته است.

چشم‌انداز حضور زنان در آموزش عالی کشور

از سال تحصیلی ۴۹-۱۳۴۸ که آموزش عالی در کشور در قالبی نوین و منطبق با الگوهای جهانی شکل گرفت و نهاد دانشگاه بنا شد، دختران دانشجو در صدی از ظرفیت دانشگاه‌ها را به خود اختصاص دادند. در سالهای اولیه سهم آنان تنها یک چهارم ظرفیت دانشگاه‌ها بود اما به تدریج تعداد زنان روبه افزایش گذاشت و طی سه دهه نزدیک به نیمی از فضای دانشجویی را به خود اختصاص دادند. همزمان با آن ظرفیت دانشگاه‌ها نیز افزایش یافت و طی سه دهه تعداد کل دانشجویان به

۱۰ برابر رسید (آمار آموزش عالی ایران، ۷۹ - ۱۳۷۸) (نگاه کنید، به جدول ۱-۱، جمع دانشجویان سال تحصیلی ۴۹ - ۱۳۴۸ و مقایسه کنید با جمع دانشجویان سال تحصیلی ۷۹ - ۱۳۷۸). دختران دانشجو، هم متناسب با افزایش ظرفیت دانشگاه‌ها تعدادشان افزایش می‌یافت و هم در هر سال درصد بیشتری از ظرفیت دانشجویی را به خود اختصاص می‌دادند. نتیجه این شد که تعداد زنان در سال تحصیلی ۷۹ - ۱۳۷۸ به بیش از ۱۷ برابر نسبت به سال مبنا (۴۹ - ۱۳۴۸) رسید (به ردیف اول و آخر در ستون زنان در جدول ۱-۱ نگاه کنید). ولی تعداد مردان، نسبت به سال مبنا، تنها ۷ برابر نسبت به سال مبنا شد (نگاه کنید به ردیف اول و آخر ستون مردان در جدول ۱-۱).

جدول زیر تعداد دانشجویان زن و مرد در آموزش عالی کشور از سال تحصیلی ۴۹ - ۱۳۴۸ تا ۷۹ - ۱۳۷۸ در دوره‌های پنج‌ساله را نشان می‌دهد (مرکز اطلاعات و آمار شورای فرهنگی و اجتماعی زنان شورای عالی انقلاب فرهنگی).

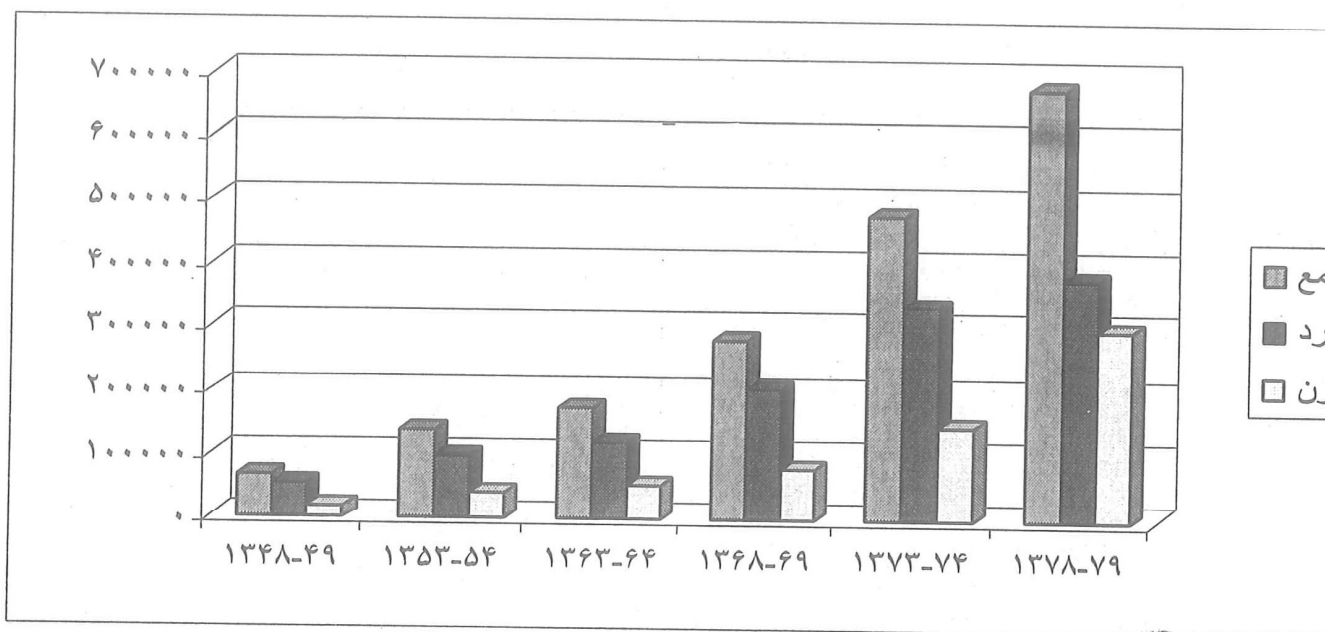
جدول شماره ۱-۱- تعداد و درصد دانشجویان دانشگاه‌ها بر حسب جنس طی سالهای

۱۳۴۸ الی ۱۳۷۹

سال تحصیلی	جمع	زن	مرد	درصد زنان	درصد مردان
۱۳۴۸-۴۹	۶۷۲۶۸	۱۶۹۴۹	۵۰۳۱۹	۲۵/۱۹	۷۴/۸۱
۱۳۵۳-۵۴	۱۳۵۳۵۴	۳۸۶۳۴	۹۶۷۲۰	۲۸/۵۴	۷۱/۴۶
۱۳۶۳-۶۴	۱۷۴۲۱۷	۵۳۵۷۱	۱۲۰۶۴۶	۳۰/۷۵	۶۹/۲۵
۱۳۶۸-۶۹	۲۸۱۳۹۲	۷۸۵۷۳	۲۰۲۸۱۹	۲۷/۹۲	۷۲/۰۸
۱۳۷۳-۷۴	۴۷۸۴۵۵	۱۴۵۳۵۳	۳۳۳۱۰۲	۳۰/۳۷	۶۹/۶۳
۱۳۷۸-۷۹	۶۷۸۶۵۲	۲۹۹۳۳۳	۳۷۹۳۱۹	۴۴/۱۱	۵۵/۸۹

مأخذ ۱: آمار آموزش عالی ایران سال ۷۹-۱۳۷۸؛ مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

مأخذ ۲: بانک اطلاعات زنان شورای فرهنگی اجتماعی زنان شورای عالی انقلاب فرهنگی.



نمودار شماره ۱: مقایسه دانشجویان دانشگاه‌های دولتی طی سالهای ۱۳۴۸ تا ۱۳۷۹

به تفکیک جنس

مطالعه کادر هیأت علمی دانشگاه‌ها نیز اختصاص داشتن سهمی از این بخش را توسط زنان از سالهای اولیه تشکیل دانشگاه‌ها نشان می‌دهد. همچنین معلوم می‌سازد که تعداد اعضای هیأت علمی زن در مقایسه با اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی دولتی نیز از روندی رو به افزایش برخوردار است. اگرچه این افزایش در مقایسه با افزایش تعداد دانشجویان تناسب نداشته است، لیکن همچنان که در جدول زیر ملاحظه می‌شود تعداد اعضای هیأت علمی زن از ۶۷۳ نفر در سال ۱۳۴۸ به ۸۰۲۷ نفر در سال ۱۳۷۸ رسیده است. به عبارتی، زنان در بخش آموزش عالی دولتی، به عنوان عضو هیأت علمی، موفق شده‌اند که طی ۳۰ سال اخیر تعداد خود را به ۱۱ برابر برسانند (نگاه کنید به جدول ۱-۲، ردیف اول و آخر ستون زنان)؛ در حالی که در مقایسه با آنها تعداد مردان طی سه دهه گذشته در بخش هیأت علمی نزدیک به ۷ برابر شده است (در جدول ۱-۲ به

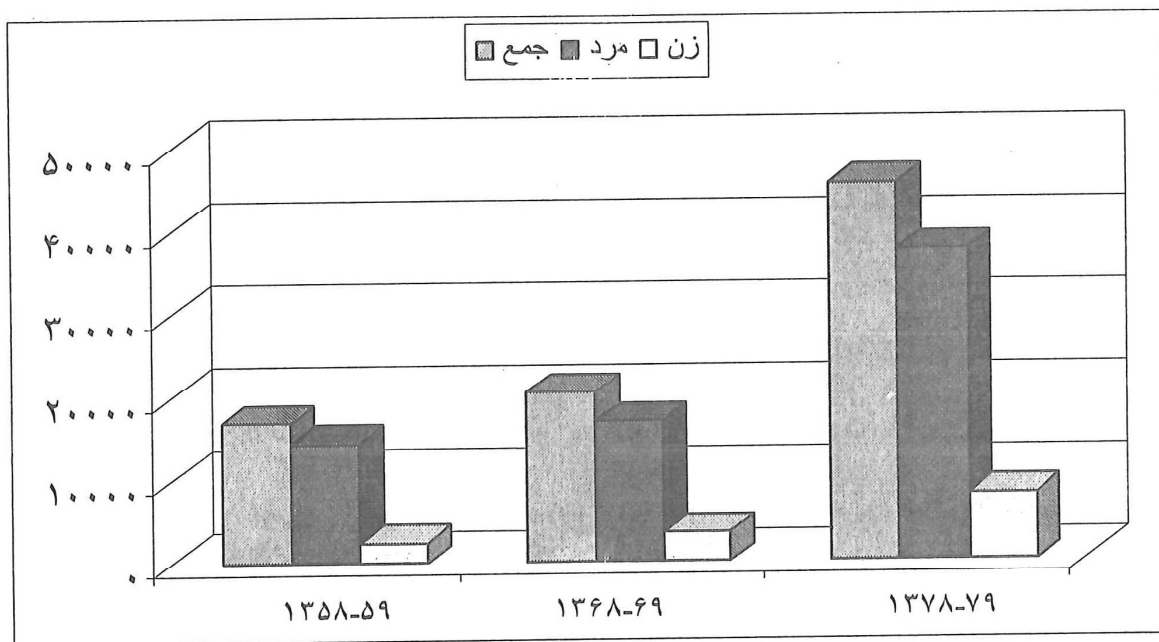
ردیف‌های ۱ و ۴ ستون مردان نگاه کنید). با این حال، از آنجا که ظرفیت مراکز آموزش عالی برای پذیرش عضو هیأت علمی نیز طی همین مدت افزایش یافته، بنابراین، درصد زنان در مقایسه با خودشان از سال ۱۳۴۸ تا سال ۱۳۷۸ تنها ۶/۶ درصد رشد داشته است (دفتر مطالعات فرهنگی و اجتماعی مطالعات زنان، ۱۳۷۷).

جدول شماره ۲-۱- تعداد و درصد اعضای کادر آموزشی دانشگاه‌های دولتی در ۳ دهه

گذشته به تفکیک جنس

سال تحصیلی	زن	مرد	جمع	درصد زنان	درصد مردان
۱۳۴۸-۴۹	۶۷۳	۵۴۳۰	۶۱۰۳	۱۱	۸۹
۱۳۵۸-۵۹	۲۴۵۵	۱۴۴۲۲	۱۶۸۷۷	۱۴/۵	۸۵/۵
۱۳۶۸-۶۹	۳۴۹۳	۱۶۹۱۸	۲۰۴۱۱	۱۷	۸۳
۱۳۷۸-۷۹	۸۰۲۷	۳۷۵۱۳	۴۵۵۴۰	۱۷/۶	۸۲/۴

مأخذ: آمار آموزش عالی ایران ۷۹-۱۳۷۸؛ مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.



نمودار شماره ۲: مقایسه اعضای کادر آموزشی دانشگاه‌های دولتی طی ۳ دهه گذشته به

تفکیک جنس

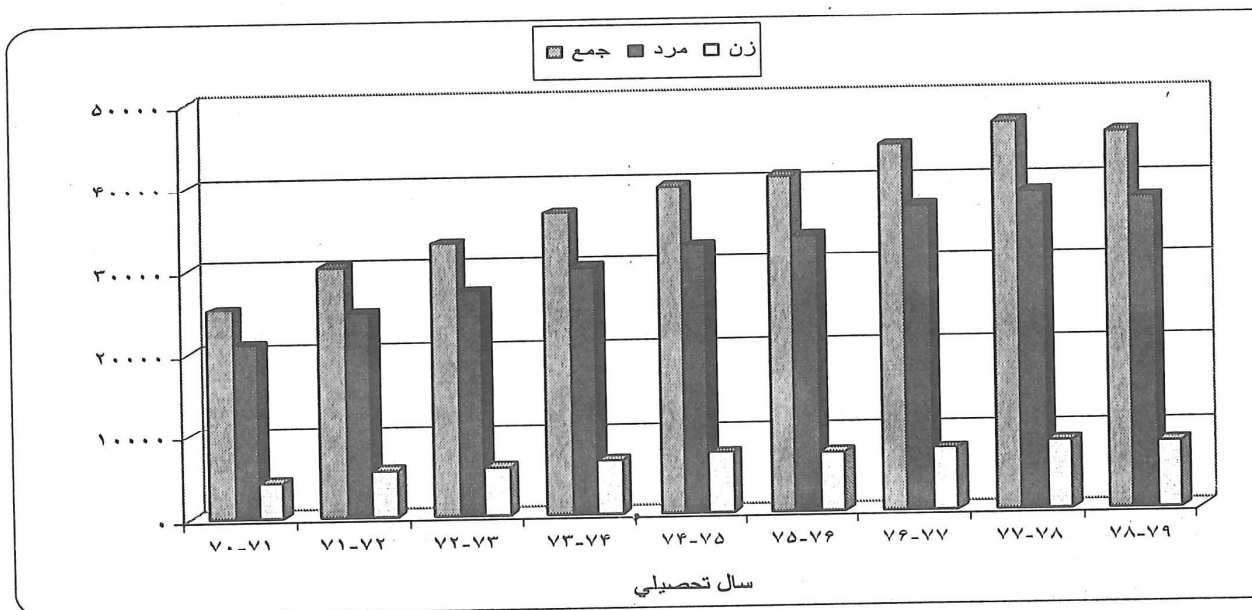
افزایش زنان در دانشگاه‌های دولتی به عنوان عضو هیأت علمی به‌ویژه در دو دهه اخیر مشهود است، به نحوی که تنها در آخرین دهه، یعنی از سال تحصیلی ۱۳۷۰-۷۱ تا سال تحصیلی ۱۳۷۸-۷۹، تعداد زنان کادر آموزشی در دانشگاه‌ها از ۴۲۸۵ نفر به ۸۰۲۷ نفر یعنی نزدیک به دو برابر رسید. جدول زیر تعداد زنان کادر آموزشی دانشگاه‌های دولتی را طی سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۹ به تفکیک سالیانه نشان می‌دهد (آمار آموزش عالی ایران ۸۰ - ۱۳۷۹).

جدول شماره ۳-۱- مقایسه تعداد زنان کادر آموزشی در آموزش عالی دولتی از سال

تحصیلی ۱۳۷۰-۷۱ تا ۱۳۷۸-۷۹

سال تحصیلی	زن	جمع
۱۳۷۰ - ۷۱	۴۲۸۵	۲۵۲۰۸
۱۳۷۱ - ۷۲	۵۵۳۹	۳۰۲۶۲
۱۳۷۲ - ۷۳	۵۸۰۰	۳۲۹۳۴
۱۳۷۳ - ۷۴	۶۴۹۰	۳۶۳۶۶
۱۳۷۴ - ۷۵	۷۲۳۲	۳۹۵۰۲
۱۳۷۵ - ۷۶	۷۱۷۱	۴۰۴۷۷
۱۳۷۶ - ۷۷	۷۴۱۷	۴۴۰۷۲
۱۳۷۷ - ۷۸	۸۲۴۶	۴۶۶۹۰
۱۳۷۸ - ۷۹	۸۰۲۷	۴۵۵۴۰

مأخذ: آمار آموزش عالی ایران ۱۳۷۸-۷۹، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.



نمودار شماره ۳: تعداد زنان کادر آموزشی در آموزش عالی دولتی

از سال تحصیلی ۷۱ - ۱۳۷۰ تا ۷۹ - ۱۳۷۸

اگرچه بسیاری از دختران در حین تحصیلات دانشگاهی ازدواج می‌کنند و تعدادی از آنها نیز پس از ازدواج، تحصیلات دانشگاهی خود را رها می‌سازند، اما آمار و ارقام نشان می‌دهد که دانش‌آموختگان زن نیز از رقم ۱۱۷۰۴ نفر در سال تحصیلی ۷۰-۱۳۶۹ به رقم ۴۰۴۳۳ نفر در سال تحصیلی ۷۸-۱۳۷۷ افزایش داشته و نزدیک به چهار برابر شده‌اند (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۷۹). (نگاه کنید به ستون زنان؛ و سال تحصیلی ۷۰-۱۳۶۹ را با سال تحصیلی ۷۸-۱۳۷۷ مقایسه کنید).

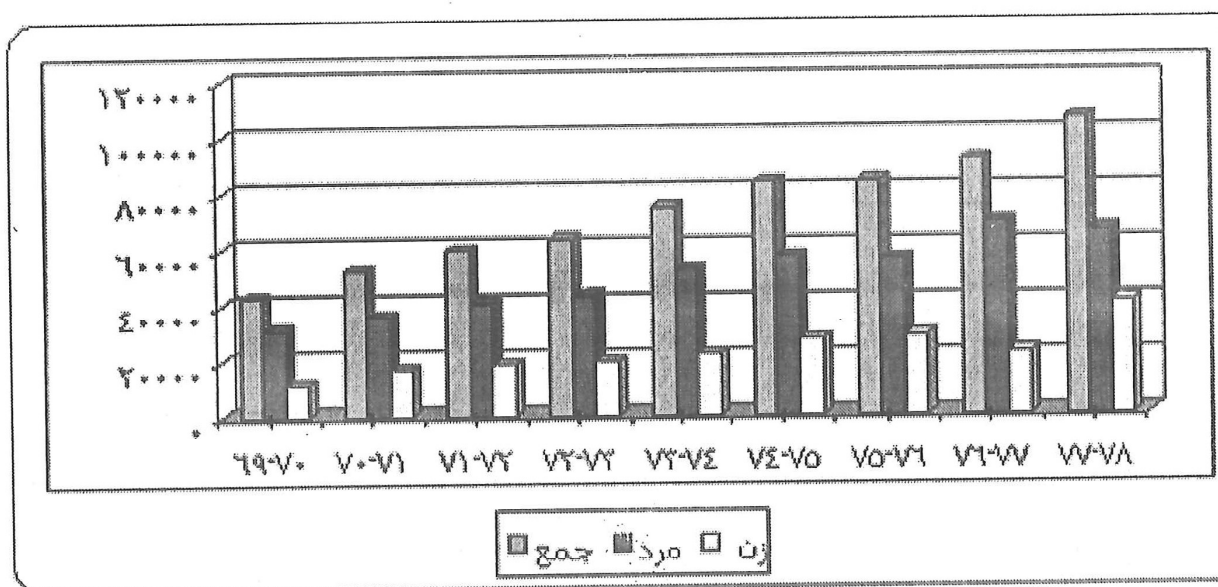
جدول شماره ۴-۱: مقایسه تعداد دانش‌آموختگان زن از دانشگاه‌های دولتی طی

سالهای تحصیلی ۷۰-۱۳۶۹ تا ۷۸-۱۳۷۷

سال تحصیلی	زن	جمع
۷۰-۱۳۶۹	۱۱۷۰۴	۴۲۸۵۷
۷۱-۱۳۷۰	۱۶۵۷۶	۵۲۲۵۳
۷۲-۱۳۷۱	۱۸۶۱۲	۵۹۱۹۴
۷۳-۱۳۷۲	۱۹۵۵۳	۶۲۸۶۶
۷۴-۱۳۷۳	۲۱۹۲۹	۷۴۱۷۰
۷۵-۱۳۷۴	۲۶۹۲۸	۸۳۳۸۵
۷۶-۱۳۷۵	۲۸۲۶۱	۸۳۸۸۲
۷۷-۱۳۷۶	۲۲۲۶۶	۹۱۰۵۱
۷۸-۱۳۷۷	۴۰۴۳۳	۱۰۵۹۳۷

مأخذ: آمار آموزش عالی ایران سال تحصیلی ۷۹-۱۳۷۸، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

این آمار به خوبی نشان می‌دهد که تعداد دانش‌آموختگان زن در سال اول دهه اخیر (سال ۱۳۷۰) که حدود یک چهارم از کل دانش‌آموختگان را تشکیل می‌داد به نزدیک یک دوم در سال ۱۳۷۸ یعنی ۸ سال بعد رسیده است.



نمودار شماره ۴: مقایسه دانش‌آموختگان زن و مرد از دانشگاه‌های دولتی

طی سالهای ۱۳۶۹ الی ۱۳۷۸

هر چند آمار دانش‌آموختگان زن، دانشجویان دختر و زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها در رقابت با مردان به تدریج سهم بیشتری را به خود اختصاص می‌دهد، ولی فاصله زیادی با رشد سریع پذیرفته‌شدگان زن در دانشگاه‌ها طی چهار سال اخیر داشته است. آهنگ روبه افزایش پذیرفته‌شدگان زن در دانشگاه‌های دولتی که در سال ۱۳۷۶ تقریباً برابر با مردان پذیرفته شده بود، از سال ۱۳۷۷، سهم خود را نسبت به مردان به تدریج افزایش داد تا جایی که در سال ۱۳۷۹ نزدیک به ده درصد نسبت به مردان پذیرفته شده بیشتر شد (آمار سازمان سنجش و آموزش کشور، ۱۳۸۰).

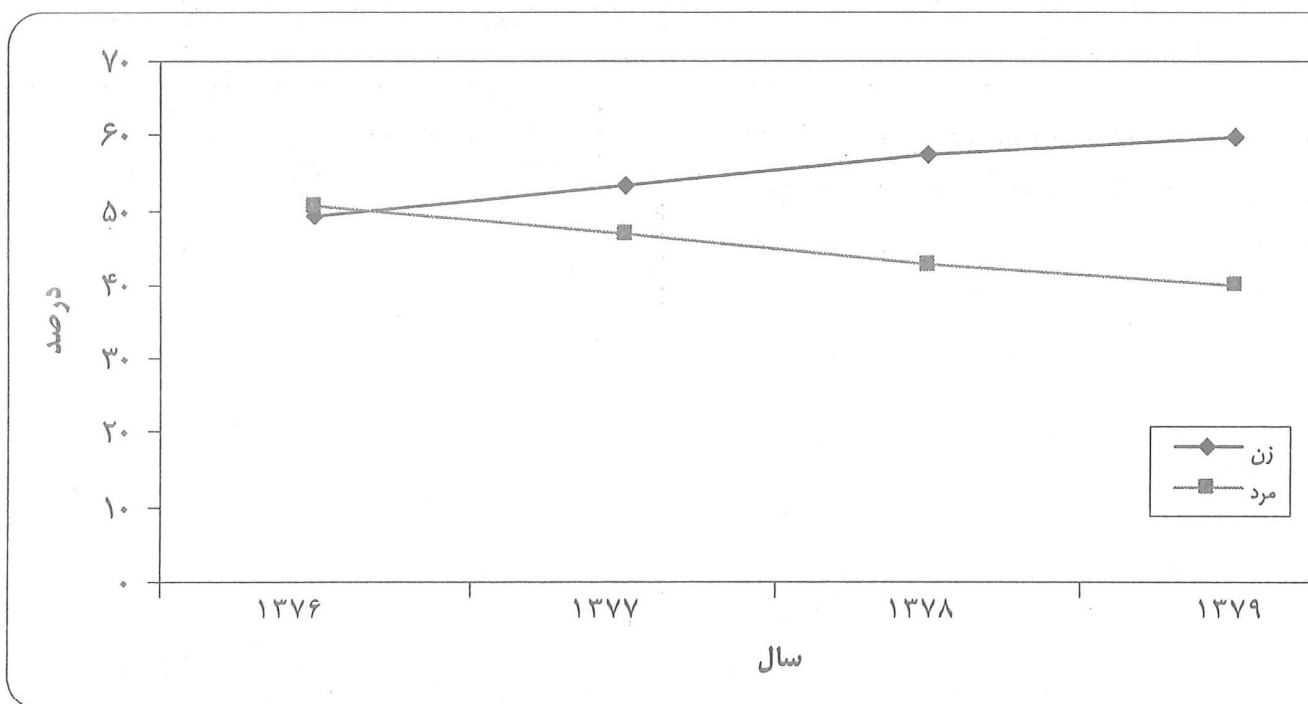
جدول شماره ۵-۱- درصد پذیرفته شدگان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به تفکیک

جنس طی سالهای ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۹

سال	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹
زن	۴۹/۳	۵۳/۲	۵۷/۲	۵۹/۹
مرد	۵۰/۷	۴۶/۸	۴۲/۸	۴۰/۱

مأخذ ۱: <http://www.women.or.it/amar%20report/page-10htm>

مأخذ ۲: سازمان سنجش و آموزش کشور سال ۱۳۸۰.



نمودار شماره ۵: مقایسه پذیرفته شدگان زن و مرد در دانشگاه‌های دولتی طی سالهای

۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ (به درصد)

توزیع آمار مربوط به پذیرفته شدگان، دانشجویان، دانش‌آموختگان و اعضای هیأت علمی زن نشان دهنده روند رو به رشد زنان در آموزش عالی کشور به

خصوص در سالهای گذشته است. همچنین نشان دهنده این واقعیت است که در سالهای آتی این نسبت به سرعت روبه افزایش است. به رغم چنین شرایطی، عدم تناسبی میان افزایش زنان در آموزش عالی با اشتغال آنان در بخشهای قانونگذاری مشاهده می‌شود. چرا چنین است؟ درنگاه اول، به نظر می‌رسد رشد زنان در آموزش عالی بر روی جابه‌جایی جنسیتی قدرت تأثیرگذار بوده و سهم متناسبی از قدرت، پا به پای حضور آنان در آموزش عالی، از آن زنان شده است. لیکن آمار و ارقام موجود از زنان در بخشهای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی یعنی نمایندگی در مجلس شورای اسلامی و عضویت در شوراهای اسلامی شهر و روستا عکس این فرضیه را به اثبات می‌رسانند.

پاسخ به این سؤال را که چرا زنان در به خود اختصاص دادن ظرفیت‌ها در آموزش عالی کشور روبه جلو گام برمی‌دارند، اما در اشغال پُستهای مدیریتی به شدت عقب هستند، باید در دو نکته اساسی جستجو کرد:

۱- ماهیت انقلاب اسلامی که در رشد زنان در بخش آموزش عالی مؤثر بوده است؛

۲- فرهنگ عمومی و رواج الگوی مردانه در زندگی اجتماعی و بدنه حکومت. در نزد جامعه ایرانی، حاکمیت زنها عموماً بر قلمرو فرهنگ پذیرفته شده است. به همین جهت، سازوکارهایی که زن را از نظر فرهنگی ارتقا بخشند و از طرفی او را در این عرصه همه‌جانبه‌تر نشان دهند، برای آنان و مردان جامعه مطلوبند. علاوه بر آن، شرایط گذشته تحصیل زنان در آموزش عالی نیز که قبل از انقلاب اسلامی محدود به اقشاری از جامعه زنان می‌شد و به صورت فعلی فراگیر نبود، خواه و ناخواه زنان بسیاری را که خواهان تحصیلات عالی بودند، محروم می‌ساخت. وقوع انقلاب اسلامی به این ناکامی پایان داد و زنان را به سمت مراکز

آموزش عالی متمایل کرد. از طرفی نیز ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلابهای دنیا متفاوت بود و ایران برای اثبات وجهه دینی - فرهنگی انقلاب، ساز و کارهای خاص خود را داشت که حضور زنان در آموزش عالی کشور یکی از آنها بود. همه این عامل سبب شدند که حضور زنان با مشروعیت، تشویق و ترغیب از طرف خانواده، جامعه و حکومت در دانشگاهها افزایش یابد. در مقابل، در کسب پستهای مدیریتی که سهمی از قدرت را نصیب زنان می کرد آنان عقب نگهداشته شدند. نتیجه آن شد که زن ایرانی سرنوشت ساز در تغییر حاکمیت، در به عهده داشتن بخشی از ساز و کارهای حکومت به حاشیه رانده شد و در سهم گیری از بخشهای تصمیم ساز و تصمیم گیر عقب افتاد و همچون زنان سایر کشورها شد.

نگاهی به حضور و تأثیر گذاری سیاسی زنان در سایر کشورها بیانگر این واقعیت است که زنان همه کشورهای جهان در عرصه های سیاسی تأثیر و حضور کمتری نسبت به مردان دارند. «فقدان اطلاعات و تحلیلهای لازم برای افزایش تأثیر گذاری سیاسی به همراه گرایش محافظه کارانه جهانی نسبت به زنان عواملی هستند که نوعی بدبینی و سوء ظن را در همه جوامع نسبت به مشارکت سیاسی زنان ایجاد کرده اند» (سالاریان، اسفند ۱۳۸۰) و همین امر مانع حضور جدی زنان در عرصه های سیاسی است اما مقایسه آمار و ارقام حضور زنان ایرانی در عرصه های مدیریتی بیانگر این واقعیت است که سهم زنان ایرانی در پارلمان یا مرکز دیگر تصمیم گیری از میانگین درصد زنان جهان کمتر است.

به این ترتیب رواج جهانی الگوی مردانه در زندگی اجتماعی و سیاسی و بدنه حکومت که منجر به اعتماد کمتری به زنان در عرصه های سیاسی شد، این کم توجهی را در کشور ما شدت بخشیده است. بنابراین، زنان ایرانی، بیش از زنان

هر کشور دیگر، اندک زمانی پس از آنکه وارد عرصه‌های سیاسی می‌شوند در می‌یابند که محیط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی با آنها سازگاری دارد. از همین رو، حضور زنان در مدیریتهای اجرایی یا بخشهای قانون‌گذاری به حداقل ممکن کاهش می‌یابد.

چشم‌انداز حضور زنان در مراکز قانون‌گذاری

مردان بر قلمرو سیاست حاکمند، قواعد بازی سیاسی را شکل می‌دهند و استانداردهای تطّور و تحوّل را تعیین می‌کنند. به همین دلیل، زندگی سیاسی هر جامعه بر اساس هنجارهای مردان سازمان‌دهی می‌شود، و این الگویی جهانی دارد (لامع‌زاده، تیر ۱۳۸۰).

در ایران نیز همین الگو دقیقاً جریان دارد و زنان را در بخش قدرت با زنان در سایر کشورها قابل مقایسه کرده است. در انتخابات، اساس بر برندگی و بازندگی است و این چیزی است که با خلیقات زنان مغایرت دارد. آن دسته از زنان که وارد قلمرو سیاست شده‌اند باید نقشهای مادرانه و همسری خود را مانند سابق حفظ کنند ضمن آنکه در تمامی جلسات سالیانه، نقش خود را به خوبی ایفاء نمایند و در عین حال در برابر هر چالشی که به زندگی خانوادگی یا اجتماعی آنان وارد می‌شود، مقاومت کنند.

تحقیقات نشان می‌دهند که زنان در آن دسته از بخشهای سیاسی که جنبه‌های عمومی دارد و وقت زیادی از آنان نمی‌گیرد و مسئولیتی به دنبال ندارد با رغبت بیشتر حضور می‌یابند.

میتینگها، رأی دادن به نامزدهای پارلمانی یا ریاست جمهوری یا شهردارها آستانه‌هایی هستند که زنان برای حضور در آنها رغبت نشان می‌دهند. از طرفی

نیز شمار زنانی که کاندیدا می‌شوند در مقایسه با زنانی که به نمایندگی برگزیده می‌شوند بسیار بیشتر است. بنابراین، حضور کم رنگ زنان در پارلمانهای جهان امری عادی است. جدول زیر وضعیت زنان در پارلمانهای ملی مناطق جهان را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۶-۱- وضعیت زنان در پارلمانهای ملی برحسب قلمروهای منطقه‌ای به درصد (۱۹۹۸)

ردیف	مناطق	مجلس نمایندگان	مجلس سنا	میانگین درصد
۱	آمریکا	۱۳/۵	۱۲	۱۲/۷۵
۲	کشورهای عضو سازمان همکاری و امنیت اروپا	۱۲/۳	۹	۱۰/۶۵
۳	کشورهای جنوب صحرا (آفریقا)	۱۱/۱	۱۴	۱۲/۵۵
۴	اقیانوسیه	۱۰/۸	۲۱/۸	۱۶/۳
۵	آسیا	۹/۷	۹/۹	۹/۸
۶	دولتهای عربی	۳/۷	۱/۱	۲/۴

مأخذ: «زنان و پارلمان، نگاهی فراتر از اعداد»؛ ترجمه کتابیون لامعزاده، مجله ایرانداخت، پیش‌شماره اول، تیرماه ۱۳۸۰، برگرفته از سایت اتحادیه بین‌المجلس.

میانگین درصدها در جدول فوق بیشترین زنان پارلمانی را در حوزه اقیانوسیه و کمترین آنها را در منطقه دولتهای عربی نشان می‌دهد. در ایران، درصد زنان در اشغال کرسیهای پارلمان در حد کشورهای عربی است، درحالی که تبلیغات درمورد سهم‌بری زنان از پارلمان در ایران نسبت به کشورهای عربی بیش از واقعیت جلوه داده شده است.

مراکز قانون‌گذاری در ایران

در ایران، مراکز قانون‌گذاری در دو سطح ملی و محلی مطرح می‌شوند:

- سطح ملی: در سطح ملی، مرکز قانون‌گذاری مجلس شورای اسلامی است که نمایندگان منتخب مردم برای مدت ۴ سال در آن عضویت می‌یابند.
- سطح محلی: در سطح محلی، شوراهای اسلامی شهر و روستاها هستند که اعضای آن را مردم برای مدت ۴ سال انتخاب می‌کنند تا به وضع قوانین و قواعد در سطح محلی بپردازند. در هر دو سطح، زنان مشارکت دارند لیکن وضعیت آنان دارای تفاوتی است که مورد بحث قرار می‌گیرد.

الف- زنان در مجلس شورای اسلامی

از انتخابات اولین دوره مجلس شورای اسلامی تا انتخابات چهارمین دوره، تعداد داوطلبان زن در هر دوره برای نمایندگی مجلس شورای اسلامی در سراسر کشور از سقف ۹۰ نفر تجاوز نکرد. اما از سال ۱۳۷۵ که پنجمین انتخابات پارلمانی در ایران صورت گرفت، تعداد داوطلبان با یک جهش به بیش از ۴ برابر داوطلبان دوره قبل رسید.

۳۵۱ نفر زن، داوطلب نمایندگی مجلس شورای اسلامی شدند و بالاخره ۵/۶ درصد کرسیهای مجلس را به خود اختصاص دادند.

اما این موقعیت چندان پایدار نماند و با وجود ۵۰۴ داوطلب زن برای نمایندگی مجلس در دوره ششم بیش از ۱٪، ۳/۳ درصد کرسیهای پارلمان از اختیار زنان خارج شد و تنها ۴/۱ درصد کرسیها نصیب آنان گردید. جدول زیر وضعیت زنان را در روند انتخابات پارلمانی نشان می‌دهد.

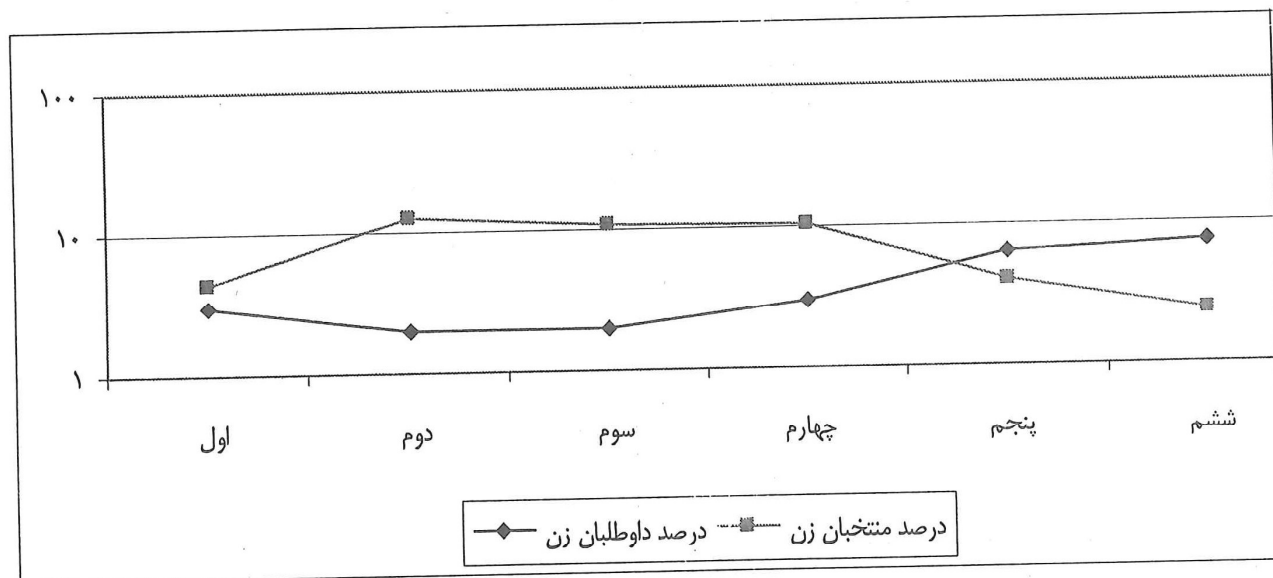
جدول شماره ۷-۱- توزیع نسبی زنان داوطلب و منتخب انتخابات مجلس شورای اسلامی

منتخبان زن از داوطلبان (درصد)	منتخبین زن		داوطلبان زن		دوره
	درصد کرسیهای اشغال شده توسط زنان	تعداد نمایندگان زن	درصد	نفر	
۴/۴۴	۱/۶۶	۴	۳/۰۲	۹۰	اول
۱۲/۵	۱/۶۶	۴	۱/۹۸	۳۲	دوم
۱۰/۶۳	۱/۶	۵	۱/۹۹	۴۷	سوم
۱۰/۴۶	۳/۶	۹	۳	۸۶	چهارم
۳/۹۸	۵/۶	۱۴	۶/۴۳	۳۵۱	پنجم
۲/۳۸	۴/۱	۱۲	۷/۳	۵۰۴	ششم

مأخذ ۱: <http://www.women.or.ir/amar/20Report/page-17.htm>

مأخذ ۲: ستاد انتخابات وزارت کشور، ۱۳۷۹.

در ستون اول، تعداد داوطلبان زن در دوره‌های اول تا چهارم ناچیز است و از دوره پنجم به بعد روبه افزایش می‌گذارد و به بیشترین رقم در انتخابات دوره ششم می‌رسد (<http://www.women.or.it>). ستون آخر واقعیت دیگری را نشان می‌دهد و آن این است که درصد منتخبان زن نسبت به داوطلبان در دوره‌های دوم تا چهارم مطلوب‌تر از دوره‌های اول و پنج و ششم است.



نمودار شماره ۶: توزیع داوطلبان و منتخبان زن مجلس شورای اسلامی از دوره اول تا

هشتم

فصل مشترکی که در مورد نقش زنان در قلمرو قدرت در ایران مشاهده می‌شود این است که در بخش قانون‌گذاری به ویژه در ششمین دوره مجلس شورای اسلامی شرایط زنان تشابه زیادی با مدیریت اجرایی آنان در کشور دارد؛ به این معنی که اگرچه در دوره پنجم مجلس شورای اسلامی با افزایش نسبی از منتخبان روبه‌رو هستیم اما در دوره هشتم (۱۳۷۹) دوباره نمایندگان زن کاهش می‌یابند و درست به همان گونه که در پُستهای مدیریت اجرایی دیدیم، درصد کمتری از کرسیهای مجلس را اشغال می‌کنند. این روندی متفاوت و معکوس با رشد زنان در آموزش عالی کشور است. حال، این سؤال مطرح است که آیا منحنی رشد زنان در آموزش عالی همچنان صعودی و منحنی حضور زنان در لایه‌های

قدرت همچنانی نزولی است؟ و آیا پاسخی مناسب به اعتراض احتمالی زنان تحصیل کرده در آینده وجود خواهد داشت؟

جدول شماره ۸-۱- مقایسه کرسیهای مجلس شورای اسلامی و پستهای مدیریت اجرایی
نوسط زنان

سال	درصد کرسیهای اشغال شده مجلس شورای اسلامی توسط زنان	درصد پستهای مدیریت اجرایی اشغال شده توسط زنان
۱۳۷۵ (دوره پنجم مجلس شورای اسلامی)	۵/۶	۳/۱۴
۱۳۷۸ (دوره پنجم مجلس شورای اسلامی)	۵/۶	۵/۲۲
۱۳۸۰ (دوره پنجم مجلس شورای اسلامی)	۴/۱	۲/۹۸

مأخذ : <http://www.iranwomen.org/zanan/charts/employ/79.htm>

ب - زنان در شوراهای اسلامی شهر و روستا

در سال ۱۳۷۸ اولین انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا در ایران انجام شد. وظیفه اصلی این شوراها تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در جهت سامان‌دهی محدوده‌های کوچک جغرافیایی در سطوح شهرها و روستاها است. در سراسر کشور، ۳۳۶۱۳۸ نفر مرد و زن در اولین انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا شرکت کردند که ۷۲۷۶ نفر آنان زنان بودند (آمار اطلاعات دفتر امور بانوان وزارت کشور). به عبارتی، ۲/۲٪ از کل داوطلبان شوراها شهر و روستا را زنان

تشکیل می‌دادند که این درصد نسبت به درصد داوطلبان زن در دوره‌های اول، چهارم، پنجم و ششم مجلس شورای اسلامی کمتر بود (به جدول شماره ۹-۱- بنگرید) (<http://www.iranwomen.org>).

جدول شماره ۹-۱- توزیع داوطلبان شوراهای اسلامی شهر و روستا به تفکیک جنسیت

جمع	تعداد زن	تعداد مرد	درصد زن	درصد مرد
۳۳۶۱۳۸	۷۲۷۶	۳۲۸۸۶۲	۲/۲	۹۷/۸

مأخذ: <http://www.women.or.it/Amar%20Report/page18htm>

از مجموع زنان داوطلب، ۱۰/۷۶٪ برای عضویت در شوراهای شهر و روستا انتخاب شدند که از این میزان ۳۸/۳۱ درصد برای شوراهای شهر و ۶۱/۶۸ درصد برای شوراهای روستا برگزیده شدند.

جدول شماره ۱۰-۱- توزیع منتخبان زن در شوراهای شهر و روستا

کل منتخبان زن		منتخبان در شوراهای شهر		منتخبان در شوراهای روستا	
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۷۸۳	۱۰/۷۶	۳۰۰	۳۸/۳۱	۴۸۳	۶۱/۶۸

مأخذ: <http://www.women.or.ir/Amar%20Report/page-18htm>

در اینجا دونکته قابل توجه است: اول آنکه، گرچه میانگین درصد داوطلبان زن برای نمایندگی مجلس شورای اسلامی بیش از درصد داوطلبان زن برای عضویت در شوراهای اسلامی شهر و روستا است، اما درصد منتخبان زن برای مراکز

تصمیم‌گیری در سطح ملی (شوراهای شهر و روستا) درمقایسه با منتخبان زن برای مجلس شورای اسلامی از درصد بیشتری برخوردار است. و نکته دوم آنکه در انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا برخلاف آنچه انتظار می‌رفت از مجموع منتخبان زن، تنها ۳۹/۳۱ درصد برای شوراهای اسلامی شهرها انتخاب شده‌اند در حالی که ۶۲/۶۸ درصد از منتخبان برای عضویت در شوراهای اسلامی روستاها برگزیده شده‌اند. این دونکته نشان می‌دهند که از نظر مردم، اعتماد به زنان برای در دست داشتن قدرت محلی بیشتر از اعتماد آنان برای کسب قدرت توسط زنها در سطح ملی است.

رابطه آموزش عالی زنان با نقش آنان در قدرت محلی

مقایسه منتخبان زن برای کسب قدرت در سطوح محلی و ملی در مطالب فوق اعتماد بیشتر را به توانمندی زنان برای مراکز تصمیم‌گیری در سطح محلی روشن ساخت.

حال، این سؤال مطرح است که آیا این نگرش عمومی با پیشرفت زنان در بخش آموزش عالی مرتبط است یا خیر و اگر ارتباطی میان این دو پدیده وجود دارد، آیا این ارتباط مستقیم است یا معکوس؟

برای پاسخ به این سؤال از ۲۸ استان کشور دو گروه استان برای مطالعه پیرامون رابطه آموزش عالی زنان با حضور آنان در شوراهای شهر و روستا (به‌عنوان مراکز قدرت محلی) انتخاب و مورد بررسی قرار گرفت:

گروه اول استانهایی که بیشترین داوطلب و برگزیده زن را در انتخابات شوراهای شهر و روستا داشته‌اند که شامل استانهای اصفهان، تهران، خراسان، کرمان، گیلان و مازندران است.

گروه دوم استانهایی که کمترین داوطلب و منتخب زن را در شوراهای اسلامی شهر و روستا داشته‌اند، شامل استانهای اردبیل، چهارمحال بختیاری، زنجان، کهگیلویه و بویراحمد و قزوین هستند.

از آنجا که انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا در سال ۱۳۷۸ انجام شد، در این استانها دانش‌آموختگان از دانشگاه‌ها در همان سال به عنوان شاخص مطالعه در نظر گرفته شده است.

از طرفی علاوه بر دانش‌آموختگان دانشگاه‌های دولتی، دانش‌آموختگان دانشگاه‌های غیردولتی (دانشگاه آزاد اسلامی) استانهای مورد مطالعه نیز مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین به منظور نشان دادن افزایش زنان در مراکز آموزش عالی در این استانها، درصد رشد زنان در دانشگاه‌های دولتی با یک دهه قبل یعنی سال ۱۳۶۹ مقایسه شده است.

گروه اول: استانهای با بالاترین داوطلب و منتخب زن برای مراکز قدرت محلی (شوراهای اسلامی شهر و روستا)

در استانهای اصفهان، تهران، خراسان، کرمان، گیلان و مازندران که بیشترین داوطلب و منتخب زن را برای مراکز قدرت محلی داشته‌اند، روند روبه افزایش زنان در آموزش عالی به خوبی مشهود است. این افزایش در دانشگاه‌های دولتی از سال ۱۳۶۹ به سال ۱۳۷۸ در استان تهران ۵ درصد، در استان خراسان ۱۲ درصد،

در استان گیلان ۱۵ درصد، در استان کرمان ۱۷ درصد، در استان اصفهان ۱۲ درصد و در استان مازندران ۳۲ درصد رشد را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱۱-۱- تعداد و درصد دانش‌آموختگان زن ازدانشگاه‌های دولتی استانیهای تهران، خراسان، گیلان، کرمان، اصفهان و مازندران درسالهای ۱۳۶۹ - ۱۳۷۸

۱۳۷۸			۱۳۶۹			سال استان
درصد زنان	تعداد زنان	جمع مرد و زن	درصد زنان	تعداد زنان	جمع مرد و زن	
۳۴	۹۷۱۴	۲۸۱۷۵	۲۹	۵۴۵۵	۱۸۵۱۱	تهران
۴۳	۳۶۹۷	۸۴۱۰	۳۱	۹۸۸	۳۱۴۳	خراسان
۳۸	۱۰۶۰	۲۸۰۰	۲۳	۱۹۹	۸۶۵	گیلان
۴۳	۱۸۸۳	۴۳۳۳	۲۶	۳۹۵	۱۴۷۶	کرمان
۳۷	۴۳۳۵	۱۱۶۱۶	۲۵	۱۰۱۶	۴۰۳۹	اصفهان
۴۰	۱۷۶۸	۴۴۵۵	۸	۹۴	۱۱۹۶	مازندران

مأخذ ۱: آمار آموزش عالی ایران سال تحصیلی ۸۰ - ۱۳۷۹؛ مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

مأخذ ۲: <http://www.iranwomen.org/zanan/chart/Education/aali/8,5.htm>

نگاهی مقایسه‌ای به درصد زنان دانش‌آموخته در مراکز آموزش عالی در استانهای فوق نشان می‌دهد که به طور متوسط کمتر از یک سوم از دانش‌آموختگان دانشگاه‌های دولتی در سال ۱۳۶۹ را زنان تشکیل می‌دادند و در یک دهه بعد، در بیشتر استانها این نسبت به حدود یک دوم رسیده است. علاوه بر دانشگاه‌های دولتی، دانشگاه‌های غیردولتی نیز تعداد قابل توجهی دانش‌آموخته

زن در این استانها داشته‌اند که درصد آنها در مقایسه با دانشگاه‌های دولتی برابری می‌کند. جدول شماره ۱۲-۱ نشان دهنده تعداد، درصد و میانگین دانش‌آموختگان زن در استانهای مورد مطالعه است.

جدول شماره ۱۲-۱- تعداد و درصد دانش‌آموختگان زن در دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی استانهای تهران، خراسان، گیلان، کرمان، اصفهان و مازندران در سال ۱۳۷۸

استان	تعداد		درصد		
	جمع	دانشگاه غیردولتی	دانشگاه دولتی	دانشگاه دولتی	میانگین درصد دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی
تهران	۲۹۸۸۳	۲۴۴۲۸	۵۴۵۵	۳۴	۴۴
خراسان	۶۲۲۱	۵۲۲۳	۹۸۸	۴۳	۴۱/۵
گیلان	۲۵۶۴	۲۳۶۵	۱۹۹	۳۸	۴۳
کرمان	۱۸۸۲	۱۴۸۷	۳۹۵	۴۳	۴۵/۵
اصفهان	۵۴۵۵	۴۴۳۹	۱۰۱۶	۳۷	۳۹
مازندران	۳۲۳۵	۳۱۴۱	۹۴	۴۰	۵۱

مأخذ شماره ۱: سالنامه آماری کشور.

مأخذ شماره ۲: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

مأخذ شماره ۳: مرکز آمار و انفورماتیک دانشگاه آزاد اسلامی

میانگین درصد دانش‌آموختگان زن در دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی نشان می‌دهد که در مجموع نزدیک به نیمی از دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها در استانهای

فوق را زنان تشکیل می‌دهد [۱۶]. علیرغم تعداد و درصد زیاد دانش‌آموختگان زن در استانهای مذکور، تعداد داوطلبان و منتخبان زن برای مشارکت در مراکز قدرت محلی بسیار اندک است (به جدول صفحه ۱۳-۱ بنگرید):

جدول شماره ۱۳-۱- تعداد و درصد داوطلبان و منتخبان زن در شوراهای شهر و روستا در استانهایی که بیشترین داوطلب و منتخب را نسبت به سایر استانهای کشور داشته‌اند

ردیف	نام استان	تعداد داوطلب زن	درصد داوطلب زن	تعداد منتخب زن	درصد منتخب از داوطلبان زن	درصد مُنتخبان زن از کل داوطلبان
۱	تهران	۱۱۸۳	۶/۹۷	۷۷	۶/۵	۰/۴۶
۲	خراسان	۹۲۰	۲/۳۰	۹۶	۱۰	۰/۲۴
۳	گیلان	۶۳۸	۲/۶۹	۸۱	۱۲/۶۹	۰/۳۴
۴	کرمان	۵۴۲	۳/۸۳	۷۶	۱۳/۹۹	۰/۵۳
۵	اصفهان	۵۱۲	۳/۱۶	۵۱	۹/۹۶	۰/۳۱
۶	مازندران	۴۱۲	۱/۸۵	۵۶	۱۳/۵۹	۰/۲۵

مأخذ ۱: دفتر امور بانوان، وزارت کشور.

مأخذ ۲: <http://www.iranwomen.org/zanan/charts/politic/34.htm>

در این جدول، استان تهران یعنی استانی که پایتخت کشور در آن قرار دارد. بیشترین درصد داوطلب زن را نسبت به سایر استانهای گروه یک برای شوراهای اسلامی شهر و روستا داشته است که البته این میزان بیش از ۶/۹۷ درصد نیست. جالب آنکه کمترین منتخبان زن از داوطلبان را نیز نسبت به سایر استانهای مرد

مطالعه، در همین استان مشاهده می‌کنیم، یعنی ۶/۵ درصد از داوطلبان زن در این استان برای عضویت در شوراهای شهر و روستا انتخاب شدند.

نقطه مقابل استان تهران در این جدول استان مازندران است که تنها ۱/۸۵ درصد از داوطلبان را زنان تشکیل می‌دادند در حالیکه ۱۳/۵۹ درصد از داوطلبان زن در این استان انتخاب شدند. در استانهای کرمان و گیلان نیز مشاهده می‌شود که درصد مُنتخبان از داوطلبین زن در مقایسه با سایر استانها قابل توجه است. مقایسه این دو ردیف از جدول نشان می‌دهد که زنان تهرانی نسبت به توانمندی‌های خود بیش از سایر استانها آگاهی دارند و اعتماد به نفس آنان برای مشارکت در مراکز قدرت بیشتر از زنان سایر استانها است، اما اعتماد کمتری از طرف انتخاب کنندگان به این توانمندیها وجود دارد.

اما در استان مازندران که از نظر فرهنگی به توانمندیهای زنان اعتقاد بیشتری هستند، علیرغم میل کمتر زنان به حضور در عرصه‌های تصمیم‌گیری، تمایل عمومی به انتخاب آنان بیشتر است. به عبارت دیگر، در این استان زنان چندان رغبتی به حضور در عرصه‌های تصمیم‌گیری از خود نشان نمی‌دهند اما اعتماد عمومی مردم به زنان در منطقه بیش از سایر استانها است. با این وجود، چه در استان تهران و چه در استان مازندران و یا سایر استانها، فاصله میان دانش‌آموختگان دانشگاهی از داوطلبان و منتخبان زن شوراهای شهر و روستا زیاد است (به جدول شماره ۱۴-۱ بنگرید).

جدول شماره ۱۴-۱- درصد دانش‌آموختگان زن و مقایسه آن با درصد داوطلبان و منتخبان

زن برای شوراهای اسلامی شهر و روستا

استان	درصد دانش‌آموختگان زن	درصد داوطلبان زن	درصد منتخبان زن
تهران	۴۴	۶/۹۷	۶/۵
خراسان	۴۱/۵	۲/۳۰	۱۰
گیلان	۴۳	۲/۶۹	۱۲/۶۹
کرمان	۴۵/۵	۳/۸۳	۱۳/۹۹
اصفهان	۳۹	۳/۱۶	۹/۹۶
مازندران	۵۱	۱/۸۵	۱۳/۵۹

مأخذ ۱: سالنامه آماری کشور.

مأخذ ۲: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

مأخذ ۳: مرکز آمار و انفورماتیک دانشگاه آزاد اسلامی.

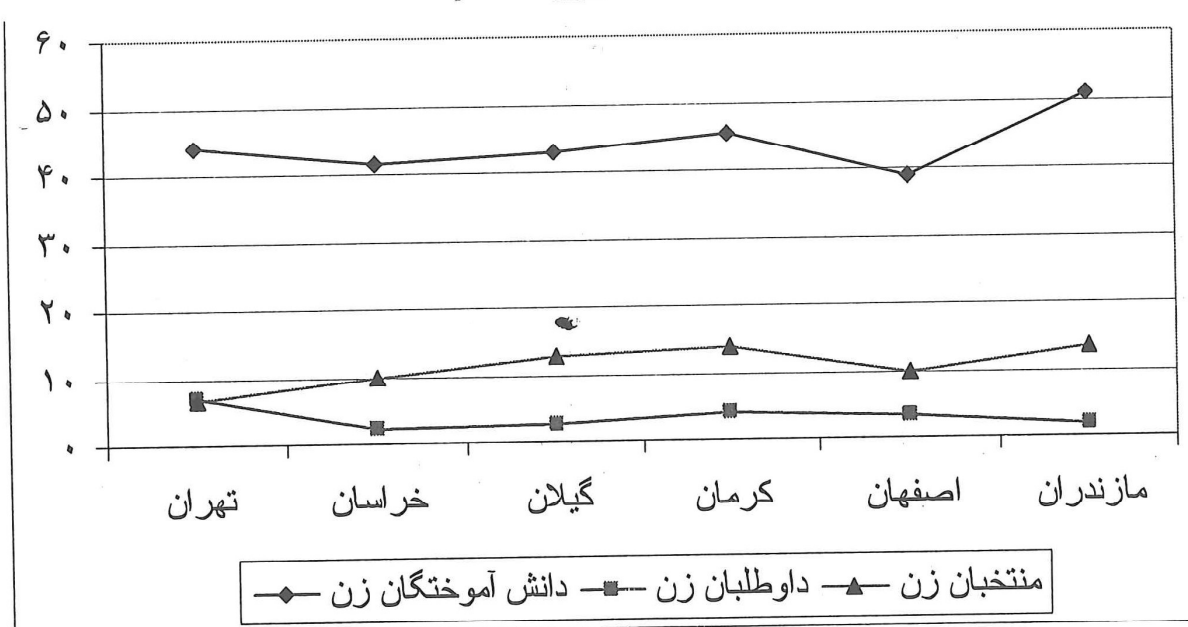
مأخذ ۴: دفتر امور بانوان، وزارت کشور.

مأخذ ۵: <http://www.iranwomen.org/zanan/charts/politic/34.htm>

گروه دوم: استان‌های با پایین‌ترین داوطلب و منتخب زن برای مراکز قدرت

محلی (شوراهای اسلامی شهر و روستا)

در بیشتر استان‌هایی که کمترین داوطلب و منتخب زن را برای مراکز قدرت محلی یعنی شوراهای شهر و روستا داشته‌اند نیز حضور زنان در آموزش عالی روبه افزایش است، به طوری که درصد افزایش زنان در دانشگاه‌های دولتی استانهای کهگیلویه و بویراحمد، اردبیل و قزوین از سال ۱۳۶۹ به سال ۱۳۷۸ به ترتیب ۲۷، ۳۵ و ۴۸ درصد بوده است (دفتر مطالعات فرهنگی و اجتماعی مطالعات زنان، ۱۳۷۷).



نمودار شماره ۷: میانگین درصد دانش‌آموختگان دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی در سال ۱۳۷۸ و مقایسه آن با درصد داوطلبان و منتخبان شوراهای اسلامی شهر و روستا (برگرفته از مرکز آمار و انفورماتیک دانشگاه آزاد اسلامی)

جدول شماره ۱۰-۱ - تعداد و درصد دانش‌آموختگان زن از دانشگاه‌های دولتی در استانهای کهگیلویه و بویراحمد، اردبیل، چهارمحال بختیاری، زنجان و قزوین در سالهای ۱۳۶۹ و ۱۳۷۸

استان	۱۳۶۹			۱۳۷۸		
	جمع کل	تعداد زنان	درصد زنان	جمع کل	تعداد زنان	درصد زنان
کهگیلویه و بویراحمد	۵۱	۰	۰	۴۷۷	۱۳۰	۲۷
اردبیل	۱۰۴	۰	۰	۱۲۹۹	۴۶۷	۳۵
چهارمحال بختیاری	۱۷۳	۷۸	۴۵	۱۳۶۵	۵۵۲	۴۰
زنجان	۴۳۸	۲۱۵	۴۹	۱۵۹۷	۷۶۲	۴۸
قزوین	۰	۰	۰	۲۹۱۰	۱۴۰۷	۴۸

مأخذ ۱: آمار آموزش عالی ایران سال تحصیلی ۸۰ - ۱۳۷۹؛ مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

مأخذ ۲: <http://www.iranwomen.org/zanan/charts/Education/aali/8,5.htm>

در جدول فوق به خوبی نشان داده می‌شود که در مراکز آموزش عالی استانهای کهگیلویه و بویراحمد، اردبیل و قزوین اصولاً در سال ۱۳۶۹ دانش‌آموختگان زن وجود نداشته است اما در سال ۱۳۷۸، درصد قابل توجهی از دانش‌آموختگان دانشگاه‌های دولتی این استانها را زنان تشکیل داده‌اند.

همچنین جدول فوق بیانگر این نکته است که در دو استان چهارمحال بختیاری و زنجان درصد زنان دانش‌آموخته در سال ۱۳۷۸ نسبت به دانش‌آموختگان زن در سال ۱۳۶۹ کاهش داشته ولی تعداد آنان افزایش یافته است.

علاوه بر دانشگاه‌های دولتی، دانشگاه‌های غیردولتی نیز در این استانها تعداد قابل توجهی دانش‌آموخته زن داشته‌اند.

جدول شماره ۱۶-۱- تعداد و درصد دانش‌آموختگان زن در دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی استانهای کهگیلویه و بویراحمد، اردبیل، چهارمحال بختیاری، زنجان و قزوین در سال ۱۳۷۸

استان	تعداد		درصد		میانگین درصد دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی
	جمع	دانشگاه غیردولتی	دانشگاه دولتی	دانشگاه غیردولتی	
کهگیلویه و بویراحمد	۳۸۴	۱۳۰	۲۵۴	۲۷	۲۲
اردبیل	۹۳۷	۴۶۷	۴۷۰	۳۵	۳۷
چهارمحال بختیاری	۱۷۳۹	۵۵۲	۱۱۸۷	۴۰	۴۴
زنجان	۹۱۱	۷۶۲	۱۴۹	۴۸	۳۵/۵
قزوین	۱۸۰۸	۱۴۰۷	۴۰۱	۴۸	۳۹/۵

مأخذ ۱: سالنامه آماری کشور ۱۳۷۸؛ مرکز آمار کشور.

مأخذ ۲: <http://www.iranwomen.org/zanan/chart/ejucation/azad/2.htm>

دراستانهای فوق، اگرچه میانگین درصد دانش‌آموختگان زن از دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی مطلوب است اما درمقایسه بامردان، رقابت آنان برای کسب قدرت محلی بسیار اندک است.

درجدول شماره زیر درصد زنان داوطلب از کل داوطلبان مشخص شده است [۲۴].

جدول شماره ۱۷-۱ - تعداد و درصد داوطلبان زن در شوراهای شهر و روستا در استانها با کمترین داوطلب و منتخبان زن نسبت به سایر استانهای کشور داشته‌اند

ردیف	نام استان	تعداد زنان داوطلب	درصد زنان داوطلب	تعداد زنان منتخب	درصد زنان منتخب از داوطلب
۱	کهگیلویه و بویراحمد	۴۶	۰/۷۴	۱	۲/۱۷
۲	اردبیل	۴۸	۰/۵۶	۱۰	۲۰/۸۳
۳	چهارمحال بختیاری	۵۳	۱/۰۱	۱۶	۳۰/۱۸
۴	زنجان	۷۴	۰/۹۸	۱۳	۱۷/۵۶
۵	قزوین	۸۷	۱/۴۷	۱۲	۱۳/۷۹

این درصدها بسیار نگران کننده و نشان‌دهنده عدم اعتماد به نفس زنان برای داشتن نقش در پایه‌هایی از قدرت در استانهای مذکور است. اینکه آیا نتایج انتخابات که حاصل درصد آن ستون «درصد زنان منتخب از داوطلب» است، می‌تواند برای آینده زنان این استانها اعتمادسازی کند به نحوی که زنان بیشتری

را به عنوان داوطلب عضویت در شوراهای شهر و روستا وارد عرصه انتخابات کند، سؤالی است که در انتخابات دوره‌های بعدپاسخ داده خواهد شد.

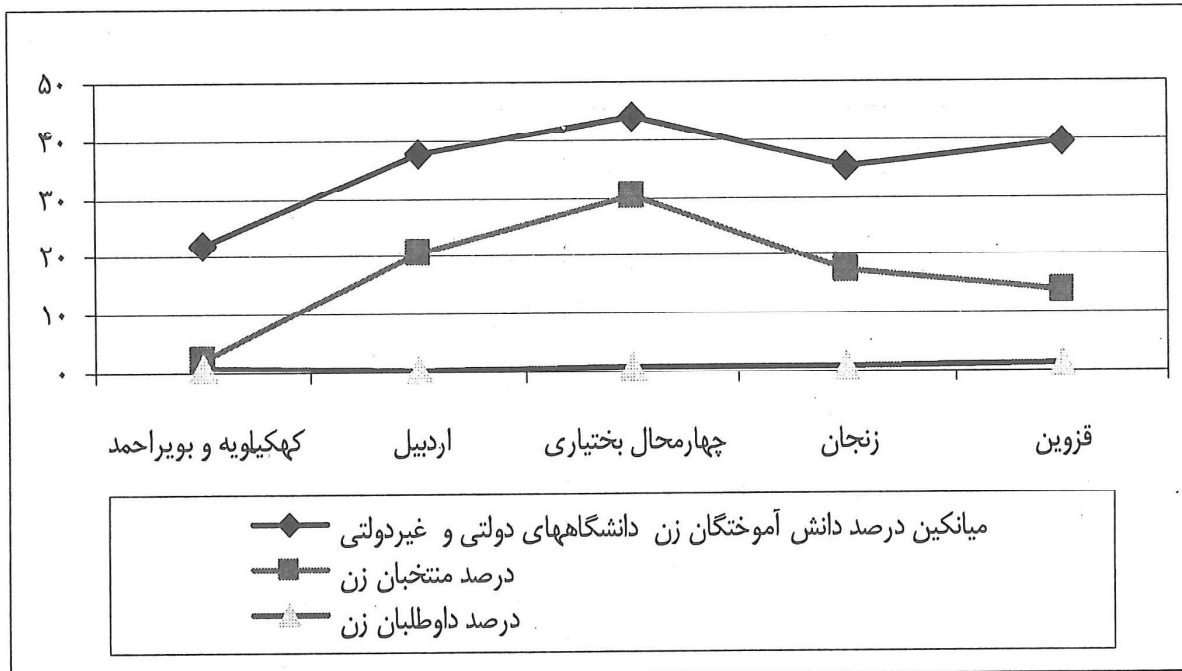
از بین ۵ استان مورد مطالعه، زنان در استان چهارمحال بختیاری با اختصاص ۳۰/۱۸ درصد از ظرفیت مُنتخبان، توانسته‌اند بیشترین اعتماد را نسبت به خود کسب کنند و جالب آن که درصد نسبتاً زیادی از داوطلب زن را نیز نسبت به چهار استان دیگر دارند. چرا؟ نگاهی به روند دانش‌آموختگان زن در استانهای پنجگانه نشان می‌دهد که در این استان زنان از سال ۱۳۶۹ بخشی از دانش‌آموختگان دانشگاهی را تشکیل می‌دادند در حالی که در میان دانش‌آموختگان دانشگاه‌های استانهای کهگیلویه و بویراحمد، اردبیل و قزوین سهم زنان در آن سال صفر است. سابقه تحصیل دانشگاهی نه تنها در سال چهارمحال بختیاری بلکه در استان زنجان نیز بر درصد داوطلبان زن برای شورای اسلامی شهر و روستا تأثیرگذار بوده است. بعد از استان چهارمحال بختیاری، استان زنجان بیشترین درصد داوطلب را در میان استانهای پنجگانه دارد. هرچند درصد منتخبان نسبت به داوطلبان کم است. اما یک نگاه کلی و مقایسه‌ای به استانهای دارای بیشترین داوطلب و منتخب زن در شوراهای اسلامی شهر و روستا بیانگر این نکته است که در این استانها درصد داوطلب بسیار کم است اما جالب آن که درصد منتخبان زن از داوطلبان در ۴ استان از استانهای نامبرده بسیار مطلوب و حتی بیش از درصد مُنتخبان زن در شهرهای گروه اول است.

با این وجود، همانطور که در نمودار زیر نشان داده می‌شود، در این استانها نیز مانند استانهای دسته اول، فاصله میان زنان دانش‌آموخته دانشگاهی از داوطلبان و

منتخبان زن در عضویت شوراهای اسلامی شهر و روستا زیاد است (سالنامه آماری کشور، ۱۳۷۸).

جدول شماره ۱۸-۱- درصد دانش‌آموختگان زن و مقایسه آن با درصد داوطلبان و منتخبان زن برای شوراهای شهر و روستا

ردیف	نام استان	درصد دانش‌آموختگان زن	درصد داوطلبان زن	درصد منتخبان زن
۱	کهگیلویه و بویراحمد	۲۲	۰/۷۴	۲/۱۷
۲	اردبیل	۳۷/۵	۰/۵۶	۲۰/۸۳
۳	چهارمحال بختیاری	۴۴	۱/۰۱	۳۰/۱۸
۴	زنجان	۳۵/۵	۰/۹۸	۱۷/۵۶
۵	قزوین	۳۹/۵	۱/۴۷	۱۳/۷۹



نمودار شماره ۸: میانگین درصد دانش‌آموختگان دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی در سال ۱۳۷۸ و مقایسه آن با درصد داوطلبان و منتخبان شوراهای اسلامی شهر و روستا

نتیجه گیری

آموزش عالی در ایران طی سه دهه اخیر، که فارغ از نگرش جنسیتی و بدون تبعیض میان زن و مرد توسعه یافت، زمینه رشد توانمندیهای زنان را به گونه‌ای فراهم نمود که در همه لایه‌های دستگاه‌های آموزش عالی کشور حضور زنان چشمگیر و فزاینده شد. براینده عادی چنین شرایطی حضور روزافزون زنان را در همه عرصه‌های اجتماعی، از جمله مدیریت بخشهایی از جامعه، می‌طلبد به نحوی که تناسبی میان افزایش زنان در مراکز آموزش عالی با حضور آنان در بخشهای مدیریتی مشاهده گردد.

پژوهشگر در این تحقیق به دنبال آشکار ساختن این تناسب مورد انتظار برآمد و نتایج زیر حاصل شد:

- دختران دانشجو در دانشگاه‌های دولتی هم متناسب با افزایش ظرفیت دانشجویی که از سال مبدا تا سال ۱۳۷۹ ده برابر شده است و هم نسبت دانشجویان دختر که از سال مبدا به سال ۱۳۷۹ به دو برابر رسیده است چنان حجمی از ظرفیت دانشجویی را به خود اختصاص دادند که تعداد آنها به ۱۷ برابر سال مبدا رسید، در حالی که این افزایش برای مردان ۷ برابر نسبت به سال مبنا بود.

- زنان شاغل در بخش هیأت علمی در دانشگاه‌های دولتی موفق شده‌اند تعداد خود را به ۱۱ برابر در سال ۱۳۷۹ نسبت به سال مبدا برسانند. این در شرایطی است که تعداد مردان عضو هیأت علمی طی همین مدت ۷ برابر شده است.

- تعداد دانش‌آموختگان دختر از دانشگاه‌های دولتی طی کمتر از یک دهه (۱۳۷۰ تا ۱۳۷۸) نزدیک به ۴ برابر شده است و تعداد پذیرفته‌شدگان دختر دانشگاه‌ها در سال ۱۳۷۹ ده درصد بیشتر از مردان نشان داده می‌شود.
 - به رغم پرکردن این حجم عظیم از ظرفیت دانشگاه‌ها، در اختصاص پستهای پارلمانی و شوراهای محلی که به دنبال خود نقش زنان در قدرت را در پی دارد، آمار نگران‌کننده و تبعیض‌آمیز است زیرا:
 ۱. قله فتح کرسیهای مجلس توسط زنان در مجالس شورای اسلامی پس از انقلاب، در مجلس پنجم بود که با تعداد ۱۴ نفر زن تنها ۵/۶ درصد از کرسیهای مجلس را به خود اختصاص داد و این تعداد و درصد در سال ۱۳۷۸ به بعد در ششمین دوره مجلس شورای اسلامی به ۱۲ نفر رسید که ۱ / ۴ درصد از کرسیهای مجلس را اشغال کرده است.
 ۲. از ۳۳۶۱۳۸ داوطلب زن و مرد برای شوراهای اسلامی شهر و روستا در سال ۱۳۷۸ تنها ۷۲۷۶ نفر (۲/۲ درصد) را زنان تشکیل دادند که از این تعداد ۱۰/۷۶ درصد آنان به عضویت شوراهای شهر و روستا درآمدند.
 ۳. چه در شهرهایی با بیشترین درصد دانش‌آموخته زن از دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی و چه در شهرهایی با کمترین درصد دانش‌آموخته زن از دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی، سهم آنان در مدیریت محلی (عضویت در شوراهای شهر و روستا) از کل از منتخبان تجاوز نکرد.
- آمار و ارقام تکان‌دهنده بالا تجزیه و تحلیل و با آمار ارقام سایر کشورها مقایسه شدند، و به این ترتیب آشکار گردید که :
- ❖ آنچه در اذهان عمومی در مورد حضور زنان در پستهای مدیریتی و سهم آنان در ساختار قدرت رخنه یافته، مغایر با واقعیتها است.

❖ از آنجا که در اذهان ایرانیان زنان در قلمرو فرهنگ بیش از سایر قلمروهای اجتماعی پذیرفته شده‌اند، سازوکارهای ارتقای آنان در آموزش عالی، که سکوی ارتقای سطح فرهنگی است، از نظر جامعه و توسط دستگاه‌های ذی‌ربط فراهم‌تر است.

❖ در محیط کار مردانه کار با شیوه‌های مختلف مانع از تعلق گرفتن پستهای مدیریتی به همکاران زن شده و زمینه تمرین زنان برای دستیابی به پستهای بالاتر را از آنان دریغ می‌دارند.

❖ شرایط جهانی نیز در پدید آمدن چنین وضعیتی بی‌تأثیر نبوده است. زنان در همه کشورهای جهان سهم کمتری را در مدیریتهای سطح بالای اجرایی نسبت به مردان دارند که این سهم ناشی از فقدان اطلاعات و تحلیلهای لازم در مورد اثرات مثبت زنان در پست‌های مدیریتی است. همچنین رواج جهانی الگوی مردانه در زندگی اجتماعی و سیاسی و بدنه حکومتها منجر به یک بی‌اعتمادی عمومی به زنان در سطح جهانی است.

❖ نگرش جنسیتی به زن در ایران نه تنها در میان مردان بلکه در بین خود زنان نیز رواج دارد. همین امر سبب عدم اعتماد بین زنان و، در عمل، تقسیم جنسی جامعه به مردان و زنان شده است که حاصل آن نگرشی ترحم‌آمیز و با تعبیر جنس ضعیف یا ظریف به زنان در محیط کار شده است که به ناچار چنین موجودی را درخور کسب پستهای مدیریتی به حساب نمی‌آورند.

❖ حضور زنان عمدتاً در آن بخش از تصمیم‌گیریها تشویق و ترغیب می‌شد که جنبه‌های عمومی داشت و فرصت زیادی را از آنان اشغال نمی‌کرد و مسؤولیتی نیز به دنبال نداشت و آنان را در سرنوشت کشور مؤثر جلوه می‌داد، لیکن

بهره‌مندی از توانایی‌های آنها در بخش‌های مدیریتی جامعه به طور ضمنی نادیده گرفته شده و بیان نمی‌شد.

❖ در عرصه‌های انتخابات اعم از انتخابات پارلمانی یا انتخاب شوراهای اسلامی شهر و روستا بویژه در شهرهای کوچک و بزرگ (به جز پایتخت) زنان داوطلب مورد حمایت قرار نمی‌گرفتند و بجز آنان که نامشان در فهرست گروه‌ها بود، سایرین مورد بی‌اعتنایی به‌ویژه از طرف تصمیم‌سازان در رفتارهای انتخاباتی مردم بودند.

نتیجه آن شد که حضور زنان در عرصه‌های قدرت و تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی و مدیریت اجرایی طی سالهای گذشته در حداقل ممکن نگهداشته شد. اما آمار حقایق را آشکار می‌سازد که در آینده سهم زنان به یکباره در عرصه‌های قدرت و تصمیم‌گیری افزایش خواهد یافت و این افزایش سهم نه از جانب مسئولان بلکه از جانب خود زنان و از طرف مردم برای زنان در نظر گرفته شده است زیرا:

۱- تعداد داوطلبان زن برای نمایندگی مجلس شورای اسلامی از دوره پنجم به یک باره رو به افزایش گذاشته و از رقم ۳۲ نفر در انتخابات دوره دوم و ۸۴ نفر در دوره چهارم به ۳۵۱ نفر در دوره پنجم و ۵۰۴ نفر در دوره ششم رسید.

۲- تعداد منتخبان از ۴ نفر در دوره‌های اول و دوم به ترتیب به ۱۴ و ۱۲ نفر در دوره‌های پنجم و ششم رسید.

۳- ۶۴/۷۶ درصد زنان مدیر دارای درجه تحصیلی بالاتر از لیسانس هستند که در مقایسه با مردان مدیر برخوردار از چنین درجه تحصیلی (با ۵۵/۶۰ درصد)، ۱۹/۱۶ درصد بیشترند.

۴- هم در استانهای با بیشترین میزان دانش آموخته زن و هم در استانهای با کمترین میزان دانش آموخته زن، درصد زنان منتخب از جمع داوطلب قابل توجه است. تنها در استان اردبیل که تنها ۱/۰۱ درصد از داوطلبان زن بودند، ۳۰/۱۸ درصد از آنان برای عضویت در شورای اسلامی شهر و روستا انتخاب شدند.

این واقعیتها نشان می‌دهند که زنان در آینده آمار و ارقام را در بخش قدرت تغییر خواهند داد و نوعی جابه‌جایی جنسیتی در بدنه قدرت در آینده ایران ایجاد خواهند کرد. نوید بخشی است که دهه چهارم انقلاب اسلامی ایران، دهه جابه‌جایی قدرت و دهه عبور از گذرگاه نگرش جنسیتی به زن و به عهده گرفتن بخش عمده‌ای از ساختار قدرت توسط زنان جامعه ایران است.

فهرست منابع

الف) فارسی

۱. دفتر مطالعات فرهنگی و اجتماعی مطالعات زنان (۱۳۷۷)؛ «زن، دانشگاه. فردای بهتر»؛ مجموعه مقالات و گزارشهای کنگره «زن، دانشگاه، فردای بهتر»، ص ۱۰۶.
۲. مؤسسه پژوهش برنامه‌ریزی آموزش عالی؛ آمار آموزش عالی ایران ۱۳۷۸-۷۹.
۳. شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ اطلاعات و آمار شورای فرهنگی و اجتماعی زنان.

۴. مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی؛ آمار آموزش عالی ایران ۸۰ - ۱۳۷۹.
۵. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور؛ آمار و اطلاعات معاونت امور انفورماتیک.
۶. پایگاه اطلاع‌رسانی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ آمار سازمان سنجش و آموزش کشور، سال ۱۳۸۰.
۷. سالاریان، عنایت؛ «بحران‌های امور زنان در جهان»؛ مجله نگاه، شماره ۱۸۳، اسفند ۱۳۸۰.
۸. لامع‌زاده، کتایون (ترجمه) (تیر ۱۳۸۰)؛ «زنان و پارلمان، نگاهی فراتر از اعداد»؛ مجله ایراندخت، پیش شماره اول.
۹. اداره کل انتخابات وزارت کشور (۱۳۷۹)؛ آمار ستاد انتخابات وزارت کشور.
۱۰. دفتر امور بانوان وزارت کشور (?); آمار اطلاعات.
۱۱. مرکز آمار و انفورماتیک دانشگاه آزاد اسلامی (۱۳۷۹)؛ مجموعه آماری سال ۱۳۷۸ دانشگاه.
۱۲. مرکز آمار ایران؛ سالنامه آماری کشور.
۱۳. دفتر امور مشارکت زنان (تیر ۱۳۸۱)؛ مجموعه آمار و اطلاعات؛ مرکز اطلاع‌رسانی معاونت طرح و برنامه.
۱۴. مرکز آمار ایران (۱۳۷۸)؛ سالنامه آماری کشور.

ب) لاتین

1. <http://www.women.or.it/Amar%2Report/page-17.htm>
2. <http://www.iranwomen.org/zanan/charts/employ/page> -79.
3. <http://www.women.or.it/Amar%20 Report/page-18htm>
4. <http://www.iranwomen.org/zanan/cahrts/politic/34.htm>
5. <http://www.iranwomen.org/zanan/charts/Education/aali/8,5.htm>
6. <http://www.iranwomen.org/zanan/charts/Education/azad/2.htm>